غلامنبی فیضی‌چکاب، حقوقدان در گفت‌وگو با «شرق»:

پیگیری قضایی علیه تحریم‌ها مکمل دیپلماسی است

زینب اسماعیلی . آرمان محمودیان

عکس: محمد موحدی شری

بیش از ۲۰ سال سابقه وکالت حرفه‌ای در مراجع قضایی داخلی و بین‌المللی دارد. وکیل و سرپرست تیم وکلای بانک توسعه صادرات در محاکم آتحادیه اروپا بوده، از همین رو قوت‌وفن اقامه دعوی در دادگاه‌های بین‌المللی را خوب بلد است. در حوزه تجارت بین‌الملل نیز فرد مبرزی است. دکتر غلامنبی فیضی‌چکاب، متولد ۱۳۴۱ شهر مشهد است. او فارغ‌التحصیل رشته حقوق از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی از دانشگاه شهیدبهشتی است و دکترای حقوق را با درجه عالی از دانشگاه نیس فرانسه گرفته است. عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه‌طباطبایی است و علاوه بر تدریس در دانشگاه، دروس تخصصی دوره‌های آموزش قضات در قوه‌قضاییه را برعهده داشته است. اکنون نامزد انتخابات هیات‌مدیره کانون وکلای دادگستری نیز هست. او معتقد است که در شرایط فعلی می‌توان علیه کشورهایی که با تحریم‌های خود به ایران غرامت زده‌اند، اقامه دعوی کرد.

■ به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته اقامه دعوی از سوی ایران در نهادهای بین‌المللی، رشد داشته است. آیا فبلا نیز این طرح دعاوی وجود داشته؟

بی‌تردید سیر تحول وضعیت حقوقی پرونده‌های شکایت ایران در مورد تحریم‌ها در دادگاه‌ها رشد داشته است. اینجا کسی تصور نمی‌کرد، تحریم‌هایی که قدرت‌های غربی علیه ایران وضع کردند، از حیث حقوقی، حتی قابل پیگیری باشد. در موارد تصور غالب این بود که «کوش شنوایی در آنجا نیست؛ یا ما حرف منطقی و حسابی برای عرضه نداریم؛ حتی در آغاز بسیاری از مسوولان هم در مورد پیگیری حقوقی و قانونی شکایت‌هایمان اینگونه تصور می‌کردند اما در عمل ثابت شد که اینگونه نیست.

هرچند به لحاظ بی‌اعتمادی به طرف مقابل، احتمال توفیق کم به نظر می‌آمد اما ما وظیفه داشتیم، اقدامات قانونی خود را انجام بدهیم. اما بعدا که اقدامات حقوقی، مسیر خود را یافت، رویه‌های دیگری در رابطه با بعضی از کشورهای دیگر را هم پیدا کردیم و مساله اینجا در شورای اتحادیه اروپا و به‌دنبال آن در دادگاه اروپایی، جایگاه خود را یافت و از آن‌زمان تاکنون چندین رای صادر شده که خود این آرا به‌مثابه ابعاد یک رویه قضایی در دادگاه‌هایی اروپایی تلقی می‌شود. همچنین این روند یکی از بزرگ‌ترین پیشرفت‌های حقوقی محسوب می‌شود.

■ در بحث اقدامات حقوقی علیه تحریم‌ها، به‌خاطر دارید که اولین اقامه دعوی، مربوط به چه زمانی بوده است؟

به محض اینکه اولین تحریم‌ها توسط شورای اتحادیه اروپا اعمال شد، این روند آغاز شد. طبق مقررات ما مکلفیم حدود یک‌ماه‌ونیم پس از ابلاغ تحریم‌ها، اولین اقدامات را انجام دهیم؛ بنابراین اعتراض اداری بلافاصله پس از ابلاغ هر تحریم انجام شده است. بعد از اعتراض اداری، وقتی که شورای اتحادیه اروپا پاسخ خود را می‌دهد، باید در مدت زمانی بین یک کی‌دوماه‌ونیم، اقدامات قانونی در محاکم آغاز شود که ما نیز اینچنین رفتار کرده‌ایم. در حقیقت ما بلافاصله پس از تحریم‌ها، اقدامات قانونی خود را آغاز کرده‌ایم.

■ اقامه دعوی علیه تحریم‌ها، صرفا توسط نهادهای دولتی پیگیری می‌شود یا نهادهای خصوصی نیز چنین موضوعاتی را پیگیری می‌کنند؟

اول باید بگویم که بر همگان محرز است که در کشور ما از گذشته تاکنون، اقتصاد، دولتی بوده. درواقع ما با نوعی «دولت تاجر» در ایران روبه‌رو هستیم. شرکت‌های بزرگ تراکتورسازی، صنعتی و... از حیث ساختار اقتصادی به‌محرک یا دولت ارتباط پیدا می‌کنند. بسیاری از شرکت‌های تحریم‌شده، همچون شرکت کشتیرانی یا بانک‌ها، نیز سهامدار دولتی، دارند. اما خودشان، به‌عنوان اشخاص، حقوق خصوصی مستقلی دارند که بر اساس آن می‌توانند اقامه دعوی کنند.

■ پس بانک ملت در ادامه دعوی خود، چگونه مدعی شده که بخش خصوصی است و به دولت ارتباطی ندارد و با این ادله، به گرفتن رای به سود خود موفق شد؟

استدلال بانک ملت درست است. بانک ملت، سهامدار خصوصی دارد و از نظر مقررات، یک بخش خصوصی محسوب می‌شود، طبیعی است که یکی از استدلال‌های بانک ملت این بوده که دارای سهامدار خصوصی است و این مساله در ماهیت حق بانک ملت تغییر زیادی ایجاد نمی‌کند.

■ بیشترین اقدام دعاوی از سوی ایران، در دادگاه‌های اتحادیه اروپا انجام شده یا در دیگر کشورها؟

بستگی به موضوع و صلاحیت پرونده مطروحه دارد. در مواردی که اتحادیه اروپا، تحریم را اجرا داده است، طبیعتا باید به دادگاه ذی‌صلاح که دادگاه اتحادیه اروپاست، رجوع کنیم اما در مواردی که اعضای اتحادیه اروپا اقدامات تحریمی انجام داده باشند، اتحادیه اروپا مسوولیتی ندارد و طرح دعوی باید در دادگاه کشورهای عضو صورت گیرد. بنابراین دعوای بیشتر در دادگاه اروپایی مطرح شده که به طرفیت اتحادیه اروپا مورد رسیدگی قرار گرفته است.

البته باید بگویم که تاکنون سیاست و استراتژی دولت بر اقامه دعوی در دادگاهی اتحادیه نبوده. چون اساسا آن را به رسمیت نمی‌شناخته است. هر چند به نظر می‌رسد نباید دعوی‌ای که در دادگاه‌های آمریکا علیه ایران مطرح شده، بدون پاسخ بماند. بلکه ایران هم می‌تواند پاسخ بدهد و از طریق وکلای همکار در آمریکا این مساله را پیگیری کند و از حقوق دولت و ملت ایران دفاع کند.

همان‌طور که در مورد تحریم‌های اروپا اقدام کردیم و موفق به گرفتن حکم شدیم، به همین نسبت در مقابل تحریم‌های آمریکا نیز، احتمال موفقیت است. اما ساختار و مکانیسم آن متفاوت است. مثلا در اتحادیه اروپا، به‌عهده‌نامه اروپا اقدام می‌شود و دادگاه اروپایی به‌عنوان نظیر از رکان اتحادیه اروپا حکم می‌دهد اما در آمریکا باید لازم باشد در دادگاه‌های ملی این کشور و براساس قوانین و مقررات خود آنها، طرح دعوی صورت گیرد.

اما مهم ماهیت این مساله است؛ از حیث ماهوی، اقدامات تحریمی آمریکایی‌ها به‌گونه‌ای است که امکان طرح دعوی و احتقاق حق برای شرکت و اشخاص ایرانی محفوظ شده.

■ پس می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که قضای سیاسی رابطه ایران با دیگر کشورها، بر موضوع اقامه دعوی نیز تاثیر می‌گذارد؟

بی‌تردید اینگونه است. بگذارید من مساله آمریکا را اینگونه بیان کنم؛ تا قبل از شروع مذاکرات ۵+۱، دعاوی از سوی آمریکایی‌ها علیه ایران در بخش‌های مختلف و اشخاص ایرانی صورت گرفته اما سیاست دولت‌های وقت ایران بود است که اقدامی انجام نشود.

بعد از اینکه مساله تحریم‌ها پیش آمد، باید در مراجع ذی‌صلاح و واحدهایی که مورد تحریم قرار گرفته‌اند، طرح دعوی می‌کردیم، اما بر اساس همان سنت گذشته، اقدامی انجام ندادیم با توجه به اینکه اخیرا در دادگاه‌های اتحادیه اروپا، استقبال خوبی از طرف ایرانی شده است. دولتمردان ما در مورد انجام اقدامات حقوقی علیه کشورهای غربی در تحریم علیه ایران، متقبل شده‌اند. حرف زده‌اند. آیا خود این موضع می‌تواند روی فرآیند دادگاه‌ها تاثیر بگذارد تا تلاش کنند. تحریم‌ها رفع شود و مانع از ادامه ضرر و زیان اقتصاد خودشان شوند؟

این بخش ربطی به دادگاه نداشته و بخش سیاسی این قضیه است. مقامات خارجه‌داری آمریکا، ورارت امورخارجه موافق این مساله نبودند اما تصور من به‌عنوان یک حقوقدان و وکیل دادگستری، این است که نباید بین مسایل سیاسی کلان و حقوق قانونی و طبیعی اتباع کشور، رابطه برقرار کنیم؛ اتباع هر دولت باید بتوانند حقوق خود را از دولتی دیگر طبق مقررات مطالبه کنند. دولت‌ها هم با یکدیگر مذاکرات را ادامه دهند. به نظام هرچند مذاکرات سیاسی و قضای تفاهم در مذاکرات ایران با ۵+۱ باید حفظ شود و خوب پیش برود، اما نباید آن را با حقوق اتباع ایران بپیوند داد.

■ نتیجه آرایی که تاکنون به سود ایران صادر شده است، آیا برای ابعاد اجرایی و عملی هست یا فقط یک رفتار حقوقی به جهت مشروعیت‌زایی از نظس عمل تحریم است؟

طبیعتا هر دادنامه‌ای که از دادگاه صادر می‌شود، آثار خود را دارد، یعنی هرگاه رای از سوی دادگاه صالح صادر شد، طرف موفق دعوا، تقاضای اجرای حکم می‌کند و اگر کسی، از اجرای حکم ممانعت کرد، می‌تواند، او را تحت‌تعقیب قرار داد، مثلا در مورد ایران، خسارتی که باید جبران شود، دیگر جنبه شخصی پیدا می‌کند. یعنی اگر تا پیش از قطعی‌شدن رای، اتحادیه اروپا مسوول بوده، پس از قطعیت دادنامه، هر دولتی که از اجرای رای ممانعت کند، خود مسوول جبران خسارت است.

اما از حیث عملی و اجرایی، ممکن است آنها اقدامات خاصی انجام دهند که مطلوب خود را بدهست آورند، مثلا در مورد همین آرایی که اخیرا دادگاه اتحادیه اروپا صادر کرد، به‌محض اینکه حکم قطعیت یافت، بلافاصله اتحادیه اروپا در یک مصوبه جدید، همان اشخاص را مورد تحریم قرار داد. البته در این نوبت، عنوان تحریم را از نظر ظاهری عوض کرد. اما عین عنوان جدید، ذیل جدید محسوب نمی‌شود و از نظر ما اجرایی که صادر شد، اعتبار امر محتومه پیدا کرده و قطعی شده است. در حقیقت اتحادیه اروپا به‌دنبال این است که با تغییر عنوان، به‌پهانه ذیل جدید، اعتبار امر محتومه از بین ببرد که این عمل هم، رفتار درستی نیست و این رفتار اتحادیه اروپا نوعی رفتار مغرضانه تلقی می‌شود.

■ پروسه اقامه دعوای بانک‌ها علیه تحریم‌های صورت گرفته، چقدر طول کشید؟ از کجا شروع شد و چگونه به این مرحله رسید؟

اگر بخواهم به‌طور خاص در مورد بانک توسعه صادرات، این مساله را تبیین کنم، باید بگویم که از تاریخی که داخوانت‌ها داده شد، تبادل لوایح شکل گرفت، با وکیل مذاکره انجام شد و وکیل ما در دادگاه اتحادیه اروپا مطالبات خود را ثبت کرد و جلسه دادگاه تشکیل شد، مجموع مواردِ خود دوسال و حتی کمتر از دوسال طول کشید و حدود چهار الی پنجماه‌ونیم، رای صادر شد.

■ در پاره‌ای موارد، اشخاص، موسسات و بانک‌های ایرانی مورد تحریم که موفق به اخذ رای از دادگاه اتحادیه اروپا شده‌اند، تقاضای خسارت و غرامت کرده‌اند، معیار و نظام ارزیابی برای طرح مبلغ خسارت و مطالبه آن چیست؟

در کل هر خواهانی که در محاکم داخلی و چه در محاکم خارجی، تقاضای غرامت و دریافت خسارت می‌کند، باید درخواست مطالبه خسارتش را بر اساس واقعیت‌های موجود و مستند و باقعل باشد و قابلیت تحقق را داشته باشد. البته باید این مساله را نیز بگویم که در مراجع بین‌المللی حتی می‌توان «عدم‌النفع» را نیز مطرح کرد. که طی آن، خسارتی که به‌تدریج وارد می‌شود را نیز می‌توان مطالبه کرد.

در این موارد ما سعی کرده‌ایم، از موکلان بخواهیم جهت تشخیص و اعلام غرامت، رفتار استاد خود را در مورد زیان‌های وارده چه مستقیم و چه غیرمستقیم، لوایه دهند و اگر هم اسنادی ندارند، فرمول محاسبه خسارت را بیان کنند. چون بر اساس یک محاسبه علمی، در بسیاری از موارد کاملا معلوم است که خسارتی وارد شده اما سندی وجود ندارد از این‌رو باید فرمولی معقول، برای تشخیص میزان خسارت وارده در نظر گرفته شد.

از آنجا که تمایل داریم کار را به‌صورت بنیادی و ریشه‌یابی شده، انجام دهیم، قرار شده است، مدل‌سازی شود، اسناد مورد بررسی قرار گیرد و

با توجه به اینکه اخیرا در دادگاه‌های اتحادیه اروپا، استقبال خوبی از طرف ایرانی شده است، دولتمردان ما در مورد انجام اقدامات حقوقی علیه آمریکا نیز روی خوش نشان داده‌اند تا روی آن فکر کنند. البته فعلا به نظر می‌رسد اقدام سیاسی حاکم بر مذاکرات ۵+۱ ایجاب نمی‌کند دولت به‌دنبال انجام اقدامات حقوقی در این موارد باشد

■ البته اگر دادگاهی تشکیل شود و ایران موفق به گرفتن حکم به سود خود شود، قطعا تاثیر مثبتی بر فضای سیاسی داخلی می‌گذارد، اما در فضای بین‌المللی شاید تاثیر منفی بگذارد.

تا جایی که من اطلاع دارم، تا اینجا وزارت امورخارجه موافق این مساله نبوده. اما تصور من به‌عنوان یک حقوقدان و وکیل دادگستری، این است که نباید بین مسایل سیاسی کلان و حقوق قانونی و طبیعی اتباع کشور، رابطه برقرار کنیم؛ اتباع هر دولت باید بتوانند حقوق خود را از دولتی دیگر طبق مقررات مطالبه کنند. دولت‌ها هم با یکدیگر مذاکرات را ادامه دهند. به نظام هرچند مذاکرات سیاسی و قضای تفاهم در مذاکرات ایران با ۵+۱ باید حفظ شود و خوب پیش برود، اما نباید آن را با حقوق اتباع ایران بپیوند داد.

■ نتیجه آرایی که تاکنون به سود ایران صادر شده است، آیا برای ابعاد اجرایی و عملی هست یا فقط یک رفتار حقوقی به جهت مشروعیت‌زایی از نظس عمل تحریم است؟

طبیعتا هر دادنامه‌ای که از دادگاه صادر می‌شود، آثار خود را دارد، یعنی هرگاه رای از سوی دادگاه صالح صادر شد، طرف موفق دعوا، تقاضای اجرای حکم می‌کند و اگر کسی، از اجرای حکم ممانعت کرد، می‌تواند، او را تحت‌تعقیب قرار داد، مثلا در مورد ایران، خسارتی که باید جبران شود، دیگر جنبه شخصی پیدا می‌کند. یعنی اگر تا پیش از قطعی‌شدن رای، اتحادیه اروپا مسوول بوده، پس از قطعیت دادنامه، هر دولتی که از اجرای رای ممانعت کند، خود مسوول جبران خسارت است.

اما از حیث عملی و اجرایی، ممکن است آنها اقدامات خاصی انجام دهند که مطلوب خود را بدهست آورند، مثلا در مورد همین آرایی که اخیرا دادگاه اتحادیه اروپا صادر کرد، به‌محض اینکه حکم قطعیت یافت، بلافاصله اتحادیه اروپا در یک مصوبه جدید، همان اشخاص را مورد تحریم قرار داد. البته در این نوبت، عنوان تحریم را از نظر ظاهری عوض کرد. اما عین عنوان جدید، ذیل جدید محسوب نمی‌شود و از نظر ما اجرایی که صادر شد، اعتبار امر محتومه پیدا کرده و قطعی شده است. در حقیقت اتحادیه اروپا به‌دنبال این است که با تغییر عنوان، به‌پهانه ذیل جدید، اعتبار امر محتومه را از بین ببرد که این عمل هم، رفتار درستی نیست و این رفتار اتحادیه اروپا نوعی رفتار مغرضانه تلقی می‌شود.

■ پروسه اقامه دعوای بانک‌ها علیه تحریم‌های صورت گرفته، چقدر طول کشید؟ از کجا شروع شد و چگونه به این مرحله رسید؟

اگر بخواهم به‌طور خاص در مورد بانک توسعه صادرات، این مساله را تبیین کنم، باید بگویم که از تاریخی که داخوانت‌ها داده شد، تبادل لوایح شکل گرفت، با وکیل مذاکره انجام شد و وکیل ما در دادگاه اتحادیه اروپا مطالبات خود را ثبت کرد و جلسه دادگاه تشکیل شد، مجموع مواردِ خود دوسال و حتی کمتر از دوسال طول کشید و حدود چهار الی پنجماه‌ونیم، رای صادر شد.

■ در پاره‌ای موارد، اشخاص، موسسات و بانک‌های ایرانی مورد تحریم که موفق به اخذ رای از دادگاه اتحادیه اروپا شده‌اند، تقاضای خسارت و غرامت کرده‌اند، معیار و نظام ارزیابی برای طرح مبلغ خسارت و مطالبه آن چیست؟

در محتوای تحریم‌هایی که وضع شده، ماهیتشان قید شده است. فقط روند تحریم‌ها در اتحادیه اروپا و آمریکا قبلا جنبه نظامی، منع‌های بانکی و... را در بر می‌گرفت. اما به مرور زمان، گسترده‌تر شد و مسایلی همچون حقوق‌بشر را نیز در بر گرفت که در حقیقت خدشات در مورد اتباع کشورها محسوب می‌شود اما با عنوان حمایت از حقوق‌بشر آن را توجیه می‌کنند.

البته در مورد اینکه آنها نیز خسارتی را تحمل می‌کنند، باید بگویم خسارتی که دامنگیر طرف مقابل، آمریکا، از نظر مالی نیروی انسانی صرف می‌کند و از اجرای سیاسی که هزینه می‌کند، کم نیست. فقط برای اینکه ایران تحریم‌ها را دور نزند، نمایندگان آمریکا در تمام دنیا فعال هستند. برای مثال در خود دوبی شاهد این مساله بودیم که در روستای مسافر تحریم ایران، کار می‌کنند؛ با مسافرهای متعدد وزیر امور خارجه امریکا برای تاکید بر عملیاتی کردن تحریم‌ها و... همه اینها هزینه‌های سیاسی است که بر اتان تحمیل می‌شود. درواقع، این اصل برای هیچ ممالک محرز است که هموم‌اوزون دوبرابر دفاع‌کردن، ارزی و هزینه می‌برد. برای اینکه کسی که هجوم می‌آورد، علاوه بر عملیاتی‌کردن توجوخود، باید مواظبت خود را نیز حفظ کند.

■ در بخش دوم مصاحبه می‌خواهیم از شما بپرسیم که چگونه به توافق نیز بپردازیم. البته گفته می‌شود به جای توافق از عنوان برنامه اقدام مشترک نام برده شود. شما به‌عنوان یک حقوقدان، متن منعقدشده بین ایران و ۵+۱ را یک توافقنامه می‌دانید یا یک سیاسی؟

یکی از زیبایی‌های مسایل حقوقی، این است که هر روز ماهیت‌های جدیدی خلق می‌شود. واقع امر این است که هر مذاکره‌ای که منجر به ایجاد تعهدات برای طرفین متقابل شود، به نفس خود، نوعی توافق است. قرارداد این است که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، توافق می‌کنند که هر طرف نسبت به طرف دیگر، تعهداتی پذیرفته است. پس بنابراین یک مفهوم سنتی در قرارداد وجود دارد که بعد در عالم دیپلماسی، عناوین مختلفی بسا برای مدتهای مالک قرار داده‌اند. مثلا وقتی می‌گویید contract یک‌مار حقوقی را بپذیرند، حقوقی می‌گویید MOU یا همان تفاهمنامه، برای حقوق دیگری را پذیرفته‌اند. اما هیچ‌کدام بدون مشارکت نیست که باید اسم آن را گذاشتیم یا عهدنامه بگذارید. اسم دیگری بر گزینید. ولی آن اسم جایگزین شده، نمی‌تواند بدون و محتوای توافقنامه ارتفاع پیدا کند.

حال اگر بگوییم، توافق منعقدشده در ژنو چیست، باید گفت این توافق یک «طرح اقدام مشترک» است؛ مساله‌ای که اگر وزارت‌خارجه بخواهد به شکست منفرد قرار می‌داد، آثار دیگری را به آن نسبت می‌دادند. اما وقتی که به آن می‌گوییم طرح اقدام مشترک باید به این اعتقاد داشته باشیم که یک طرح و

ادامه دهد. که در این مورد شاهد طرح موضوعات سیاسی بالاخص مساله حقوق‌بشر، هستیم تا تحریم‌ها ادامه پیدا کند. این تغییر موضوع تحریم‌ها از مسایل فنی و تکنیکال به مسایل سیاسی چه تاثیری بر روند اقامه دعاوی علیه تحریم‌ها دارد؟

در محتوای تحریم‌هایی که وضع شده، ماهیتشان قید شده است. فقط روند تحریم‌ها در اتحادیه اروپا و آمریکا قبلا جنبه نظامی، منع‌های بانکی و... را در بر می‌گرفت. اما به مرور زمان، گسترده‌تر شد و مسایلی همچون حقوق‌بشر را نیز در بر گرفت که در حقیقت خدشات در مورد اتباع کشورها محسوب می‌شود اما با عنوان حمایت از حقوق‌بشر آن را توجیه می‌کنند.

اما از حیث اقدامات حقوقی باید بیشتر به آن توجه کرد. مثلا در مورد اینکه آنها نیز خسارتی را متحمل می‌شوند، باید بگویم خسارتی که دامنگیر طرف مقابل، آمریکا، از نظر مالی نیروی انسانی صرف می‌کند و از اجرای سیاسی که هزینه می‌کند، کم نیست. فقط برای اینکه ایران تحریم‌ها را دور نزند، نمایندگان آمریکا در تمام دنیا فعال هستند. برای مثال در خود دوبی شاهد این مساله بودیم که در روستای مسافر تحریم ایران، کار می‌کنند؛ با مسافرهای متعدد وزیر امور خارجه امریکا برای تاکید بر عملیاتی‌کردن تحریم‌ها و... همه اینها هزینه‌های سیاسی است که بر اتان تحمیل می‌شود. درواقع، این اصل برای هیچ ممالک محرز است که هموم‌اوزون دوبرابر دفاع‌کردن، ارزی و هزینه می‌برد. برای اینکه کسی که هجوم می‌آورد، علاوه بر عملیاتی‌کردن توجوخود، باید مواظبت خود را نیز حفظ کند.

■ در بخش دوم مصاحبه می‌خواهیم از شما بپرسیم که چگونه به توافق نیز بپردازیم. البته گفته می‌شود به جای توافق از عنوان برنامه اقدام مشترک نام برده شود. شما به‌عنوان یک حقوقدان، متن منعقدشده بین ایران و ۵+۱ را یک توافقنامه می‌دانید یا یک سیاسی؟

یکی از زیبایی‌های مسایل حقوقی، این است که هر روز ماهیت‌های جدیدی خلق می‌شود. واقع امر این است که هر مذاکره‌ای که منجر به ایجاد تعهدات برای طرفین متقابل شود، به نفس خود، نوعی توافق است. قرارداد این است که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، توافق می‌کنند که هر طرف نسبت به طرف دیگر، تعهداتی پذیرفته است. پس بنابراین یک مفهوم سنتی در قرارداد وجود دارد که بعد در عالم دیپلماسی، عناوین مختلفی بسا برای مدتهای مالک قرار داده‌اند. مثلا وقتی می‌گویید contract یک‌مار حقوقی را بپذیرند، حقوقی می‌گویید MOU یا همان تفاهمنامه، برای حقوق دیگری را پذیرفته‌اند. اما هیچ‌کدام بدون مشارکت نیست که باید اسم آن را گذاشتیم یا عهدنامه بگذارید. اسم دیگری برگزینید. ولی آن اسم جایگزین شده، نمی‌تواند بدون و محتوای توافقنامه ارتفاع پیدا کند.

حال اگر بگوییم، توافق منعقدشده در ژنو چیست، باید گفت این توافق یک «طرح اقدام مشترک» است؛ مساله‌ای که اگر وزارت‌خارجه به شکست منفرد قرار می‌داد، آثار دیگری را به آن نسبت می‌دادند. اما وقتی که به آن می‌گوییم طرح اقدام مشترک باید به این اعتقاد داشته باشیم که یک طرح و

در مورد خسارت‌هایی که خود کشورهای غربی در تحریم علیه ایران، متقبل شده‌اند، حرف زده‌اند. آیا خود این موضع می‌تواند روی فرآیند دادگاه‌ها تاثیر بگذارد تا تلاش کنند. تحریم‌ها رفع شود و مانع از ادامه ضرر و زیان اقتصاد خودشان شوند؟

این بخش ربطی به دادگاه نداشته و بخش سیاسی این قضیه است. مقامات خارجه‌داری آمریکا، وزارت امورخارجه موافق این مساله نبودند اما تصور من به‌عنوان یک حقوقدان و وکیل دادگستری، این است که نباید بین مسایل سیاسی کلان و حقوق قانونی و طبیعی اتباع کشور، رابطه برقرار کنیم؛ اتباع هر دولت باید بتوانند حقوق خود را از دولتی دیگر طبق مقررات مطالبه کنند. دولت‌ها هم با یکدیگر مذاکرات را ادامه دهند. به نظام هرچند مذاکرات سیاسی و قضای تفاهم در مذاکرات ایران با ۵+۱ باید حفظ شود و خوب پیش برود، اما نباید آن را با حقوق اتباع ایران بپیوند داد.

■ نتیجه آرایی که تاکنون به سود ایران صادر شده است، آیا برای ابعاد اجرایی و عملی هست یا فقط یک رفتار حقوقی به جهت مشروعیت‌زایی از نظس عمل تحریم است؟

طبیعتا هر دادنامه‌ای که از دادگاه صادر می‌شود، آثار خود را دارد، یعنی هرگاه رای از سوی دادگاه صالح صادر شد، طرف موفق دعوا، تقاضای اجرای حکم می‌کند و اگر کسی، از اجرای حکم ممانعت کرد، می‌تواند، او را تحت‌تعقیب قرار داد، مثلا در مورد ایران، خسارتی که باید جبران شود، دیگر جنبه شخصی پیدا می‌کند. یعنی اگر تا پیش از قطعی‌شدن رای، اتحادیه اروپا مسوول بوده، پس از قطعیت دادنامه، هر دولتی که از اجرای رای ممانعت کند، خود مسوول جبران خسارت است.

اما از حیث عملی و اجرایی، ممکن است آنها اقدامات خاصی انجام دهند که مطلوب خود را بدهست آورند، مثلا در مورد همین آرایی که اخیرا دادگاه اتحادیه اروپا صادر کرد، به‌محض اینکه حکم قطعیت یافت، بلافاصله اتحادیه اروپا در یک مصوبه جدید، همان اشخاص را مورد تحریم قرار داد. البته در این نوبت، عنوان تحریم را از نظر ظاهری عوض کرد. اما عین عنوان جدید، ذیل جدید محسوب نمی‌شود و از نظر ما اجرایی که صادر شد، اعتبار امر محتومه پیدا کرده و قطعی شده است. در حقیقت اتحادیه اروپا به‌دنبال این است که با تغییر عنوان، به‌پهانه ذیل جدید، اعتبار امر محتومه را از بین ببرد که این عمل هم، رفتار درستی نیست و این رفتار اتحادیه اروپا نوعی رفتار مغرضانه تلقی می‌شود.

■ پروسه اقامه دعوای بانک‌ها علیه تحریم‌های صورت گرفته، چقدر طول کشید؟ از کجا شروع شد و چگونه به این مرحله رسید؟

اگر بخواهم به‌طور خاص در مورد بانک توسعه صادرات، این مساله را تبیین کنم، باید بگویم که از تاریخی که داخوانت‌ها داده شد، تبادل لوایح شکل گرفت، با وکیل مذاکره انجام شد و وکیل ما در دادگاه اتحادیه اروپا مطالبات خود را ثبت کرد و جلسه دادگاه تشکیل شد، مجموع مواردِ خود دوسال و حتی کمتر از دوسال طول کشید و حدود چهار الی پنجماه‌ونیم، رای صادر شد.

■ در پاره‌ای موارد، اشخاص، موسسات و بانک‌های ایرانی مورد تحریم که موفق به اخذ رای از دادگاه اتحادیه اروپا شده‌اند، تقاضای خسارت و غرامت کرده‌اند، معیار و نظام ارزیابی برای طرح مبلغ خسارت و مطالبه آن چیست؟

در کل هر خواهانی که در محاکم داخلی و چه در محاکم خارجی، تقاضای غرامت و دریافت خسارت می‌کند، باید درخواست مطالبه خسارتش را بر اساس واقعیت‌های موجود و مستند و باقعل باشد و قابلیت تحقق را داشته باشد. البته باید این مساله را نیز بگویم که در مراجع بین‌المللی حتی می‌توان «عدم‌النفع» را نیز مطرح کرد. که طی آن، خسارتی که به‌تدریج وارد می‌شود را نیز می‌توان مطالبه کرد.

در این موارد ما سعی کرده‌ایم، از موکلان بخواهیم جهت تشخیص و اعلام غرامت، رفتار استاد خود را در مورد زیان‌های وارده چه مستقیم و چه غیرمستقیم، لوایه دهند و اگر هم اسنادی ندارند، فرمول محاسبه خسارت را بیان کنند. چون بر اساس یک محاسبه علمی، در بسیاری از موارد کاملا معلوم است که خسارتی وارد شده اما سندی وجود ندارد از این‌رو باید فرمولی معقول، برای تشخیص میزان خسارت وارده در نظر گرفته شد.

از آنجا که تمایل داریم کار را به‌صورت بنیادی و ریشه‌یابی شده، انجام دهیم، قرار شده است، مدل‌سازی شود، اسناد مورد بررسی قرار گیرد و

با توجه به اینکه اخیرا در دادگاه‌های اتحادیه اروپا، استقبال خوبی از طرف ایرانی شده است، دولتمردان ما در مورد انجام اقدامات حقوقی علیه آمریکا نیز روی خوش نشان داده‌اند تا روی آن فکر کنند. البته فعلا به نظر می‌رسد اقدام سیاسی حاکم بر مذاکرات ۵+۱ ایجاب نمی‌کند دولت به‌دنبال انجام اقدامات حقوقی در این موارد باشد

■ البته اگر دادگاهی تشکیل شود و ایران موفق به گرفتن حکم به سود خود شود، قطعا تاثیر مثبتی بر فضای سیاسی داخلی می‌گذارد، اما در فضای بین‌المللی شاید تاثیر منفی بگذارد.

تا جایی که من اطلاع دارم، تا اینجا وزارت امورخارجه موافق این مساله نبوده. اما تصور من به‌عنوان یک حقوقدان و وکیل دادگستری، این است که نباید بین مسایل سیاسی کلان و حقوق قانونی و طبیعی اتباع کشور، رابطه برقرار کنیم؛ اتباع هر دولت باید بتوانند حقوق خود را از دولتی دیگر طبق مقررات مطالبه کنند. دولت‌ها هم با یکدیگر مذاکرات را ادامه دهند. به نظام هرچند مذاکرات سیاسی و قضای تفاهم در مذاکرات ایران با ۵+۱ باید حفظ شود و خوب پیش برود، اما نباید آن را با حقوق اتباع ایران بپیوند داد.

■ نتیجه آرایی که تاکنون به سود ایران صادر شده است، آیا برای ابعاد اجرایی و عملی هست یا فقط یک رفتار حقوقی به جهت مشروعیت‌زایی از نظس عمل تحریم است؟

طبیعتا هر دادنامه‌ای که از دادگاه صادر می‌شود، آثار خود را دارد، یعنی هرگاه رای از سوی دادگاه صالح صادر شد، طرف موفق دعوا، تقاضای اجرای حکم می‌کند و اگر کسی، از اجرای حکم ممانعت کرد، می‌تواند، او را تحت‌تعقیب قرار داد، مثلا در مورد ایران، خسارتی که باید جبران شود، دیگر جنبه شخصی پیدا می‌کند. یعنی اگر تا پیش از قطعی‌شدن رای، اتحادیه اروپا مسوول بوده، پس از قطعیت دادنامه، هر دولتی که از اجرای رای ممانعت کند، خود مسوول جبران خسارت است.

اما از حیث عملی و اجرایی، ممکن است آنها اقدامات خاصی انجام دهند که مطلوب خود را بدهست آورند، مثلا در مورد همین آرایی که اخیرا دادگاه اتحادیه اروپا صادر کرد، به‌محض اینکه حکم قطعیت یافت، بلافاصله اتحادیه اروپا در یک مصوبه جدید، همان اشخاص را مورد تحریم قرار داد. البته در این نوبت، عنوان تحریم را از نظر ظاهری عوض کرد. اما عین عنوان جدید، ذیل جدید محسوب نمی‌شود و از نظر ما اجرایی که صادر شد، اعتبار امر محتومه پیدا کرده و قطعی شده است. در حقیقت اتحادیه اروپا به‌دنبال این است که با تغییر عنوان، به‌پهانه ذیل جدید، اعتبار امر محتومه را از بین ببرد که این عمل هم، رفتار درستی نیست و این رفتار اتحادیه اروپا نوعی رفتار مغرضانه تلقی می‌شود.

■ پروسه اقامه دعوای بانک‌ها علیه تحریم‌های صورت گرفته، چقدر طول کشید؟ از کجا شروع شد و چگونه به این مرحله رسید؟

اگر بخواهم به‌طور خاص در مورد بانک توسعه صادرات، این مساله را تبیین کنم، باید بگویم که از تاریخی که داخوانت‌ها داده شد، تبادل لوایح شکل گرفت، با وکیل مذاکره انجام شد و وکیل ما در دادگاه اتحادیه اروپا مطالبات خود را ثبت کرد و جلسه دادگاه تشکیل شد، مجموع مواردِ خود دوسال و حتی کمتر از دوسال طول کشید و حدود چهار الی پنجماه‌ونیم، رای صادر شد.

■ در پاره‌ای موارد، اشخاص، موسسات و بانک‌های ایرانی مورد تحریم که موفق به اخذ رای از دادگاه اتحادیه اروپا شده‌اند، تقاضای خسارت و غرامت کرده‌اند، معیار و نظام ارزیابی برای طرح مبلغ خسارت و مطالبه آن چیست؟

در کل هر خواهانی که در محاکم داخلی و چه در محاکم خارجی، تقاضای غرامت و دریافت خسارت می‌کند، باید درخواست مطالبه خسارتش را بر اساس واقعیت‌های موجود و مستند و باقعل باشد و قابلیت تحقق را داشته باشد. البته باید این مساله را نیز بگویم که در مراجع بین‌المللی حتی می‌توان «عدم‌النفع» را نیز مطرح کرد. که طی آن، خسارتی که به‌تدریج وارد می‌شود را نیز می‌توان مطالبه کرد.

در این موارد ما سعی کرده‌ایم، از موکلان بخواهیم جهت تشخیص و اعلام غرامت، رفتار استاد خود را در مورد زیان‌های وارده چه مستقیم و چه غیرمستقیم، لوایه دهند و اگر هم اسنادی ندارند، فرمول محاسبه خسارت را بیان کنند. چون بر اساس یک محاسبه علمی، در بسیاری از موارد کاملا معلوم است که خسارتی وارد شده اما سندی وجود ندارد از این‌رو باید فرمولی معقول، برای تشخیص میزان خسارت وارده در نظر گرفته شد.

از آنجا که تمایل داریم کار را به‌صورت بنیادی و ریشه‌یابی شده، انجام دهیم، قرار شده است، مدل‌سازی شود، اسناد مورد بررسی قرار گیرد و

اینجا کسی تصور نمی‌کرد، تحریم‌هایی که قدرت‌های غربی علیه ایران وضع کردند از حیث حقوقی، حتی قابل پیگیری باشد، حتی در آغاز بسیاری از مسوولان هم در مورد پیگیری حقوقی و قانونی شکایت‌هایمان اینگونه تصور می‌کردند اما در عمل ثابت شد که اینگونه نیست

فرمول‌ها به نحو معقول و محکم‌پسند ت